

اولین کنگره بین المللی زنان تأثیرگذار: بخش اول

من بیش از حد باهوش، بیش از حد خواستار و مدبر هستم که کسی نمی تواند مسئولیت من را به طور کامل به عهده بگیرد. هیچ کس مرا نمی شناسد و کاملاً دوستم ندارد. من فقط خودم را دارم.

نقل قول بالا متعلق به سیمون دوبوار، نویسنده و مقاله نویس مشهور فرانسوی، شخصیت برجسته اگزستانسیالیسم و فمینیسم است که برای کسانی که به وضعیت و نقش زنان در جامعه علاقه مند هستند، نیازی به معرفی ندارد. پاسخ به سوال "زن چیست؟"

با توجه به نحوه تفسیر و بهره برداری از اعتراضات اخیر در ایران، برای بسیاری از غربی ها این همراهی سیمون دوبوار با زن ایرانی که عموماً محروم از حقوق و اجبار شده توسط جامعه مردسالار به پوشیدن حجاب و غیره، توصیف شده است، ممکن است تهاجم آمیز به نظر برسد همچنین با توجه به «تصویری» که در جریان اصلی، به ویژه یک بار در مورد ماجرای ناگوار زن جوان ایرانی کرد الاصل، مهسا امینی، بیش از حد و به شدت مطرح شده است.

اما آیا واقعاً ارتباط بین زن توصیف شده توسط بووار در نقل قول بالا و زن جدید معاصر ایرانی اشتباه است؟ و این انجمن چگونه و از کجا می آید؟

اولین سفر به تهران:

در اواسط ژانویه ۲۰۲۳، چمدان‌هایم را می‌بستم تا به کشوری بزرگ و دوردست سفر کنم که تاریخی به پیچیدگی و طولانی بودن خود تاریخ دارد. کشوری که در مورد آن بسیار خوانده بودم، بسیار شنیده بودم، و برای من ترکیبی از جادو، جاذبه، احترام، ترس و امنیت به همان اندازه و احساسات را برایم نشان می داد. در آن لحظه نمی دانستم چگونه برای خودم توضیح دهم. می‌خواستم با توقف‌هایی سفر کنم، از چندین کشور و بسیاری از کوه‌ها عبور کنم در زمانی که هوا دقیقاً برای پروازها مناسب نبود. و اگرچه در ابتدا برای سفر به آنجا با استناد به دلایل ذکر شده مردد بودم، میل به دانستن، احساس و پیوند تاریخ با زمان حال، دیدن و پیوند حقایق بین آنچه گفته شد و آنچه در واقعیت بود، و به ویژه درک اینکه چرا ایران برای مدت طولانی تحت تحریم‌های غرب مقاومت کرده است، مورد اهانت قرار می‌گیرد و در عین حال از سوی اسرائیل به عنوان یک دشمن مخوف تلقی و برچسب زده می‌شود.

و با این حال، وقتی به راه افتادم نمی‌توانستم از خود بپرسم: آیا روسری و لباس من به اندازه کافی مناسب و مطابق با خواسته‌های مقامات تهران است؟

باید اعتراف کنم که من یک سفرهای مکرری به نقاط مختلف جهان از جمله کشورهایی از عربی - اسلامی داشته‌ام، اما این اولین سفر من به ایران بود. باید اضافه کنم که من به دلیل شغلی که دارم در شبکه‌های اجتماعی نیز فعال هستم، به همین دلیل انتظار می‌رفت از زمانی که به هواپیمای تهران سوار می‌شوم، سعی کنم مردمی که به تهران می‌روند را بشناسم.

به عنوان یک فرد عینی، انتظار داشتم تصویری را که توسط رسانه‌های اصلی پخش می‌شود برای اطلاع رسانی (نادرست) به آن بخش از افکار بین‌المللی متشکل از چندین دسته از افراد با تحصیلات بالاتر از حد متوسط و افرادی که دارای موقعیت‌هایی هستند که می‌توانند بر تصمیمات سیاسی و امنیتی در سطح بین‌المللی تأثیر بگذارند، بشناسم.

در هنگام سوار شدن، دسته‌های مختلفی از مردم، اعم از زن و مرد، جمع شدند، اما به سختی می‌توان اکثر آن‌ها را از نظر مذهبی در گروهی غیر از افراد عادی در یک فرودگاه بین‌المللی دسته‌بندی کرد.

علاوه بر این، نتیجه اولیه‌ای که با استفاده از مشاهده غیرفعال مسافران به ایران گرفته بودم این بود که به استثنای چند زن که به اشکال مختلف باحجاب بودند، در واقع یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های بیشتر زنانی است که در سوار شدن این بود که آنها بسیار مراقب ظاهر، نحوه لباس پوشیدن و به روز بودن از روندهای لوازم آرایشی، مدل مو، عمل‌های زیبایی و لباس بودند و هیچ حجابی به جز یک روسری معمولی روی شانه‌هایشان نداشتند.

بنابراین، انتظارات (ذهنی) زنی که برای «اولین کنگره بین‌المللی زنان تأثیرگذار» به تهران دعوت شده بود، درست از فرودگاه متزلزل و نقش بر آب شده بود.

همچنین، باید اعتراف کنم که حسی از سردرگمی بر منطق من حاکم شد. نمی‌توانستم بفهمم چرا تعداد زنان بی‌حجاب چشمگیر است و چرا احساس می‌کردم در راهی هستم که دیگر نمی‌فهمم. چون در دلم داشتم نوع شناسی افرادی را که در گیت سوار شدن به تهران هستند با سایر گیت‌های همان فرودگاه بزرگ بین‌المللی به اربیل، عمان یا قاهره مقایسه می‌کردم. زیرا طبق تجربه من در پروازهای مختلف به مقاصدی که در بالا ذکر شد، تعداد زنان با حجاب عموماً از ۵۰ درصد تعداد مسافران زن بیشتر است. این لحظه شماره ۱ در مجموعه

لحظاتی بود که در سفر به جمهوری اسلامی ایران تجربه کردم، لحظاتی که به تغییر درک اولیه من از ایران و به ویژه در مورد زنان این کشور به ویژه پرجنب و جوش، زیبا، رنگارنگ و تاریخی کمک کرد.

جغرافیا و مردم جمهوری اسلامی ایران: برداشت های اولیه

پرواز به تهران پروازی آرام بود، نه چندان طولانی، اما فقط در ابتدا پر از هیجان بود، زیرا کنجکاوی و جسارتی که در ابتدا داشتم به نظر می رسید با کاهش زمان تا فرود، کم رنگ می شود. اما شرایط جغرافیایی فرود در تهران، به ویژه در زمانی که متوجه شدم پایتخت ایران در چه ارتفاعی قرار دارد و شرایط جغرافیایی فرود آمدن در تهران مرا به زمین بازگرداند.

پس از ورود به فرودگاه تهران کارکنان تشریفات ریاست جمهوری ایران با رفتاری حرفه ای و مهربان به استقبال من آمدند. من برای یک کنگره آنجا بودم، کنگره ای که در سطح بسیار بالایی به عنوان یک رویداد رسمی برگزار می شد. با این حال، احترام، توجه و عنایت به هیئت های مختلف و رنگارنگی که تقریباً همزمان با من در یک شب سرد در ۱۸ دی ۱۳۹۲ وارد فرودگاه بین المللی امام خمینی شدند، مرا به نحو غیرقابل توضیحی بر آن داشت تا آنها را تا حدودی با کوه های مجاور تهران: جسور، مقاوم، به ظاهر سخت و در عین حال دوستانه به روشی طبیعی مقایسه کنم. بنابراین اولین احساسی که از همان اولین لحظه حضورم در خاک ایران به من دست داد این بود که بین مردم و جغرافیا رابطه خاصی وجود دارد که در آغوش محافظ زمان به هم شباهت دارند، می پذیرند و از هم حمایت می کنند.

آن لحظه بود هر عقیده یا دیدگاهی که قبل از سفر به تهران در مورد ایران داشتم، مجبور شدم آنها را فراموش کنم و دوباره شروع به یادگیری در مورد آن کنم.

نگاهی به پایتخت تهران

کمی بعد از نیمه شب، بعد از لذت بردن از عطر یک فنجان چای به موقع و گفتگوی دلپذیر و لذت بخش با یکی از مقامات وزارت خارجه ایران، آقاییی که به نظر می رسید تجربه دیپلماتیک زیادی داشت، محوطه پروتکل فرودگاه را ترک کردم. با لحن صحبت کردن، دانش و نحوه ارتباطش با اعضای هیئت ها، چه از اروپا، چه از آمریکای جنوبی یا آفریقا، احترام، اعتماد و تحسین را برانگیخت.

من متوجه حرفه ای بودن در سازماندهی رویداد تا کوچکترین جزئیات شدم، از جمله توجه به لوگو و انتخاب رنگ های نماینده کنگره که در طول شرکت در این رویداد مدام در مکان های مختلف با آن مواجه می شدم.

زمانی که در هتل به تهران رسیدم، متوجه زیرساخت های ارتباطی فرودگاه به شهر شدم بزرگراه هایی که تا حدی مرا به یاد بزرگراه های آلمان می انداخت، و همچنین بزرگراهی را که فرودگاه بین المللی ملکه آلیا را به پایتخت اردن، امان وصل می کند، در حالی که هتل چند طبقه ای که به نظر می رسید در سطح شهر قرار دارد و از طریق رنگ، طرح، نمادگرایی و ظرافتش از رابطه بین مردم، طبیعت و تاریخ صحبت می کرد.

روز کنگره:

با اینکه خیلی خسته بودم، خیلی زود بیدار شدم تا برای کنگره آماده شوم و دقایق اول را با لذت بردن از منظره اتاقم در طبقه هفدهم هتل زیبای اسپیناس پالاس (۵ ستاره) گذراندم و قهوه ام را می خوردم. احساس می کردم در دنیای دیگری هستم، دور از دیوانگی های همیشگی ام، دنیایی که احساس می کردم می توانم استراحت کنم و فکر کنم، زیرا از یک طرف تهران و آب و هوای آن باعث می شود احساس کنی می توانی زمان را متوقف کنی و همچنین دمای بیرون و از سوی دیگر، چشم انداز، معماری ساختمان ها، نوع ماشین ها در خیابان و نحوه زندگی مردم محلی از دنیایی صحبت می کردند که رمزگشایی آن سخت است. تسخیر یا کنترل به روش غربی سخت است.

با رفتن به لابی هتل، متوجه شدم که از قبل می توانم فضای یک رویداد مهم را برای زنان از سراسر جهان احساس کنم. زبان های مختلف شنیده می شد، زنانی که لباس های مخصوص کشورهای خود را می آیند پوشیده بودند، یا لباس هایی ساده، یا لباس های بسیار شیک. ناگهان متوجه شدم که اندازه رویداد بسیار فراتر از آن چیزی است که من توقع داشتم. تعداد زنان چشمگیر بود، اما تنوع آنها شگفت انگیز بود.

اولین توقفی که ما شرکت کنندگان در کنگره در نیمه اول روز داشتیم و با اتوبوس های تشریفاتی ما را به آنجا بردند نمایشگاه بین المللی تهران بود. در راه متوجه شدم که در همان اتوبوس با من زنانی با مشاغل مختلف، از اساتید دانشگاه و مشاوران سیاسی گرفته تا وزرا حضور دارند.

مشتاق کشف، شناخت و تماشای تهران، کنار پنجره نشستم تا عکس بگیرم و خاطرات را ثبت کنم. نمی توانم گفت فشار تحریم ها در زندگی روزمره احساس نمی شود، اما نمی توان گفت که ایران زانو زده است. برعکس، جامعه ای به نظر می رسد که با وجود فشارهای عظیم اقتصادی و اجتماعی در نتیجه بیش از ۴۰ سال تحریم

های سخت، راه و تعادل خود را پیدا کرده است. با نگاهی به مردم کوچ و لباس و ساختمان و خیابان دوباره یاد رابطه انسان و طبیعت افتادم و زندگی ایرانیان در تحریم را به آب چشمه ای تشبیه کردم که برای رسیدن به سطح زمین در بیشتر مواقع راه خود را از میان سنگ باز کند. هرچه مقاومت بیشتری داشته باشد و فیلترهای بیشتری باید از آن عبور کند، آب خالص تر و با کیفیت تر می شود. اما این که چگونه می تواند از طریق تمام آزمایش ها و مصائب طبیعت به سطح برسد، فقط آب چشمه می داند.

مرکز نمایشگاه های بین المللی تهران: بازدید از نمایشگاه توانمندی های زن ایرانی

با ورود به مرکز نمایشگاه های بین المللی، متوجه شدم که تعداد اتوبوس هایی که شرکت کنندگان کنگره را برای بازدید از نمایشگاه ویژه مهارت های زنان ایرانی می آوردند، بیشتر از آن چیزی است که از هتل دیده بودم. در ورودی نمایشگاهی که به این رویداد اختصاص داده شده بود، تعداد قابل توجهی از خبرنگاران، عکاسان و فیلمبرداران و زنان حضور داشتند که با توجه به بزرگی و اهمیت تاریخی کنگره - که فقط کمی بعد از آن مطلع شدم - کاملاً طبیعی بود.

نمایشگاهی که به مهارت های زنان ایرانی اختصاص داشت، چند طبقه و در زمینه های مختلف بود: در غرفه ها، زنان حرفه ای محصولات یا خدمات خود را با استفاده از زبان انگلیسی روان ارائه می کردند، صرف نظر از اینکه درباره استفاده از پهباد در کشاورزی توضیح می دادند یا اینکه شرکت ها چگونه می توانند آن را حفظ کنند. بر روی پله های مارپیچ ساختمان، پلاکاردهای بسیاری از زنان ایرانی که در زمینه های مختلف تاریخ برجسته ای را ساخته یا می سازند با دو رنگ آبی روشن و صورتی تیره، یعنی دو رنگ متمایز کنگره، به نمایش درآمده است.

در سمت چپ ورودی تابلویی بزرگ با داده هایی بود که در مورد دستاوردها، اشتغال، ورزش و زنان در ایران صحبت می کردند، که من فقط تعدادی از آنها را بازگو می کنم:

نرخ باسوادی برای دختران ۷ ساله و بالای ۹۹ درصد؛

درصد دانشجویان دختر به طور کلی ۵۶٪؛

درصد زنان در پست های رهبری ارشد در سازمان های محیط زیست ۵۶٪؛

تعداد ورزشکاران قهرمانی زن ۹۳۰۰۰۰+

تعداد پزشکان زن ۳۰۰۰۰+

تعداد اعضای هیئت علمی زن +۲۵۰۰۰

تعداد اعضای زن شوراهای اسلامی شهر و روستا ۴۰۰۰ نفر

تعداد زنان فعال در صنعت سینما ۲۰۰۰

تعداد مدیران عامل زن در شرکت های دانش بنیان و خلاق ۱۲۰۰

تعداد رانندگان زن وسایل نقلیه سنگین ۵۷۰ نفر و

تعداد غرفه ها و همچنین تعداد غرفه داران زن در این مرکز بسیار زیاد بود. ای کاش وقت بیشتری برای گذراندن در این مرکز داشتیم، زیرا می توانستم چیزهای زیادی درباره نقش زنان در پیشرفت جامعه ایران بیاموزم. شاید به همین دلیل زمان باقی مانده برای بازدید از سالن بعدی نمایشگاه بسیار محدود بود. یعنی جایی که بسیاری از زنان ایرانی با غرفه هایی شرکت می کردند که در آن می شد محصولات دست ساز، لباس، کیف و روسری را دید که بیشتر نماینده جامعه متنوعی مانند ایران بود. ویژگی آن سالن نمایشگاه تداخل رنگ ها و محصولاتی بود که با هنر خاصی ساخته شده بودند، در حالی که در غرفه ها زنان ایرانی حضور داشتند که با ملایمت، کنجکاو و با مهربانی و صراحت به من نگاه می کردند. اون لحظه بود که من برای بار سوم و یک بار دیگر درسفرم فهمیدم که ایران به سختی قابل تعریف، طبقه بندی، درک یا توضیح آسان است. زیرا ایران نیز ترکیبی از رنگ ها، طعم ها، و مردمان گوناگون و منحصر به فرد مانند تپه ها، دره ها، رودخانه ها و کوه هایش است.

اولین کنگره بین المللی زنان تأثیرگذار

خود کنگره در روز جمعه، حدود ساعت ۱۸:۳۰ تا ۱۹:۰۰ در ۲۰ ژانویه ۲۰۲۳، در مرکز کنگره بین المللی، ساختمانی چشمگیر از نظر اندازه، ظرافت و امکانات فنی و طراحی، آغاز به کار کرد. وقتی به محل برگزاری مراسم رسیدم، بار دیگر آنچه را که هنگام ورود به ایران متوجه شده بودم تأیید شد: سازمانی بی عیب و نقص و بسیار خوش فکر با توجه به وسعت رویداد. باید بگویم که وقتی وارد سالن شدم تحت تأثیر قرار گرفتم و متوجه شدم که برگزاری یک کنگره بسیار منحصر به فرد در تاریخ رویدادهای نوع خود در سطح جهانی به چه معناست. در پس زمینه موسیقی ایرانی، برگزارکنندگان که در اتاق پراکنده بودند، به مهمانان کمک می کردند تا صندلی خود را پیدا کنند. منظره چیدمان زیبا و تزئینات گل های ساخته شده از گل رز طبیعی در جلوی آن، از فاصله دور تحت تأثیر قرار می گرفت، در حالی که بازی نورها به رنگ های آبی و بنفش مایل به صورتی بر روی صفحه نمایش های سالن، نمایندگان را برای چیزی که قرار بود در نظر گرفته شود آماده می کرد.

لحظه تاریخی جهانی در سخنرانی یکی از بانوان اول

یک سری از سخنرانی‌ها توسط وزرا، بانوی اول، یا زنانی که در مناصب کلیدی در جامعه ایران هستند یا از کشورهای دیگر انجام شد. از مضمون سخنان خانم‌ها مشخص بود که هر کدام آنچه را که مناسب می‌دیدند در چنین کنگره‌ای بیان می‌کردند، بدیهی است که هر گفتمان از دریچه منافع زنان کشورهایی که نمایندگی می‌کردند، عبور می‌کرد. مهمتر از همه به عنوان نیازها، آرزوها یا اهداف با پتانسیل جهانی در این سخنرانی‌ها شناسایی شدند.

پس از سخنرانی رسمی، به هفت زن از کشورهای مختلف که با کار برجسته حرفه‌ای یا علمی خود را برجسته کرده بودند، جوایزی اهدا شد. به این ترتیب زنانی از تایلند، چین، آرژانتین، فدراسیون روسیه و ایران جایزه گرفتند. جوایز توسط بانوان اول تحویل داده شد.

به جای نتیجه‌گیری، چند کلمه در پایان اولین سفرم به تهران

احتمالاً خواننده این سطور که به ذهنی ترین شکل ممکن نوشته شده است، از خود می‌پرسد، خوب، حالا پس از این سفر، نظر شما در مورد زنان ایرانی چیست؟ شما آنجا بوده‌اید، (حتماً) چیزی دیده و شنیده‌اید. همچنین، شما در کنگره‌ای که به تاثیرگذارترین (همچنین زنان ایرانی) در میان آنها اختصاص یافته بود، شرکت کرده‌اید. پس زنان ایرانی چقدر مظلوم هستند و چه شانس دارند که به سرنوشت مهسا امینی دست یابند؟ به تمام این سؤالات احتمالی من یک به یک پاسخ خواهم داد.

بله، من ایران بوده‌ام و چند دسته از زنان را دیده‌ام، با برخی از آنها تعامل داشته‌ام و به نوعی سعی کرده‌ام از مشاهداتم نتیجه‌گیری جزئی بگیرم. بنابراین در ایران نیز مانند سایر کشورها بیش از یک نوع زن وجود دارد. همه آنها چادر نمی‌پوشند، من ندیده‌ام که هیچ کدام از آنها برقع پوشیده باشند، اما این مانع از این نمی‌شود که زنانی هم باشند که از این نوع لباس استفاده کنند. علاوه بر این، من متوجه شدم که بسیاری از زنان و دختران در خیابان، روسری بسته یا گشاد می‌بندند، بدون اینکه موها را کاملاً بپوشانند، اما همچنین متوجه شدم که زنان و دخترانی هستند که هیچ روسری نمی‌پوشند. همچنین مشاهده کردم که در هتل نشانه‌ای وجود دارد که حجاب اجباری است و همچنین خط مشی آن وجود دارد - که در زمان ورود به هتل به من اطلاع داده شد، اما این بدان معنا نیست که همه زنان در هتل - تا آنجایی که می‌توانستم مشاهده کنم، وقتی آنجا بودم، چادر می‌پوشیدند یا موهایشان را کاملاً می‌پوشاندند. در مورد سرنوشت تاسف بار مهسا امینی، به نظر می‌رسد که این یک مورد بسیار ناگوار است که مقامات ایرانی نیز به آن اذعان دارند. البته این نیز منتفی نیست که زنانی هستند

که به دنبال چشم پوشی از حجاب در فضاهای عمومی هستند، اما برای حمایت از چنین ایده ای نیاز به مطالعه علمی دارم.

تا آنجا که به اعتراضات اخیر مربوط می شود، من معتقدم که فراتر از این واقعیت که آنها بیشتر تحریکات خارجی داشتند، نمی توان جنبه دیگری را نادیده گرفت که به گسترش اعتراضات کمک کرد و احتمالاً برای رفاه مردم بسیار مهم است. جامعه ایران: اثرات تحریم های غرب بر کل ایران. بنابراین، برچسب زدن به برخی اعتراضات تنها به عنوان «به ما می گویند» از سوی تیم های روابط عمومی برخی نهادهای خارجی، اشتباهی بزرگ از سوی افکار عمومی بین المللی و به ویژه از سوی سیاست گذاران غربی است.

زن ایرانی به طور کلی زنی حرفه ای، تحصیلکرده، حرفه ای، مدرن با رویاها و میل به تعالی حرفه ای برای رسیدن به اهداف مورد نظر خود است. البته زنانی هم هستند که شاید برای امرار معاش دست و پنجه نرم می کنند. اما کجا چنین زنانی وجود ندارند؟ من همچنین متوجه شدم که تفاوت زن در ایران با زن در غرب، داشتن حجاب در شرایط خاص و در مکان های خاص است. اما ایران همانطور که از نام رسمی آن پیداست کشوری اسلامی با قوانین و مقررات خاص است. با این وجود، فراتر از این قواعد که برای تغییر باید مذاکره شود، و بین اعضای همان جوامع مورد بحث قرار گیرد، تعجب می کنم که چند نفر در غرب از خود می پرسند: یک زن (ایرانی) واقعاً چه می خواهد؟ این سوالی است که نه تنها جامعه ایرانی بلکه جامعه غربی باید در مورد زن، مادر، خواهر، دوست یا همکار فکر کند. زیرا سؤال سیمون دوبوووار که در ابتدای این نظر به آن اشاره شد «زن چیست» برای زن معاصر، زن ایرانی یا زن در سطح جهان کافی نیست تا تعادل، هماهنگی در خانواده و رضایت از خود را بیابد. و در اینجا می خواهم توجه را به کسانی جلب کنم که وانمود می کنند «می خواهند به زنان ایرانی کمک کنند تا حقوق خود را به دست آورند»: همه زنان کفش های یک اندازه نمی پوشند - داستان سیندرلا را به خاطر بسپارید - زیرا همه زنان یک لباس را دوست ندارند. بدون توجه به برند، در حالی که یک تغییر بزرگ نمی تواند یک شبه اتفاق بیفتد، زیرا شما نمی توانید تنها قوانین مربوط به زنان را بدون تغییر ذهنیت مرد و یا ذهنیت جامعه تغییر دهید و برای آغاز یک تغییر، آنچه ارائه می شود باید بهتر از آنچه وجود دارد باشد و به همان اندازه با ارزش ها، اصول و سنت هایی که قرن ها بر جامعه مربوطه ایران حاکم بوده، سازگار باشد. به همین ترتیب، آنچه ارائه می شود باید ماهیت داشته باشد و نباید مجبور به اجرا شود. زیرا نتایج ممکن است تعجب آور باشد.

و ارتباط بین زنی که بووار در نقل قول ابتدای این مقاله توصیف می کند و زن جدید معاصر ایرانی اشتباهی نیست. چون در ایران با زنانی آشنا شده بودم که چادر سر می کردند و در واقع قوی تر بودند، حتی قوی تر از زنی که اگرستانسیالیست و مقاله نویس فرانسوی توصیف می کرد.

و این پنجمین و آخرین لحظه سفر من است. زیرا در پایان متوجه شده بودم که زن ایرانی بسیار قادر است از خود، خانواده و کشورش مراقبت کند.